تواتر استقبالی در شهادت عمار

کشته شدن عمار هم همینطور است. منصفی که فقط تاریخ بخواند و تعصب در تاریخ نداشته باشد؛ کمونیست باشد ولی منصف باشد و هیچ تعصبی در کار وجودی او نباشد، اگر تاریخ اسلام را بخواند به قطع میرسد که پیامبر اسلام صلیاللهعلیهوآله سالها قبل، از کشته شدن عمار خبر داده بود. چرا؟ این جنگ وسیع صفینی که این همه کشته شدند، چطور یک دفعه باید بین دو لشکر در اینکه چه کسی عمار را کشته، نزاع شود؟ نزاع بین دو لشکر در اینکه عمار را چه کسی کشته، تواتر استقبالی دارد. یعنی برای آیندگان میماند؛ او میگوید او کشته و دیگری میگوید این کشته. عمار جزء لشکر کوفه ای شام بود؟ همه میگویند جزء لشکر کوفه بود، خب پس چرا نزاع میکنید؟ اینکه نزاع ندارد، شامی ها او را کشتند. میگویند نه، این نزاع جا داشت. میگویند مفاصل عمرو عاص میلرزید. معاویه به او گفت تو باید پشت پایت بول کنی. یعنی الآن وقت لرز نیست. میلرزید و گفت معاویه! عمار کشته شد. خیلی عجیب است. یعنی از قبل میدانستند. خیلی از کسانی که در فضا بودند به امید عمار به جنگ صفین رفتند. به آنها میگفتند امیر المومنین را رها کردی و به امید عمار رفتی؟! عدهای بودند و میگفتند حضرت فرمودند اگر اختلاف شد به جایی که عمار هست بروید. چرا؟ چون «تقتلک الفئة الباغیة». الآن در کتابها هست؛ میگویند امیر المومنین را به عمار میشناسد.

فضا به این صورت بود. تا عمار کشته شد، آنها شروع به لرزیدن کردند. گفت برو بگو چه کسی عمار را از خانه بیرون آورده تا کشته شود؟! شما او را کشتید. اوائل شنیده بودم که عمرو عاص به معاویه گفت. اما بعدها در نقل دیدم که خود معاویه این جمله را گفت. عمرو در اینجا خودش را باخته بود.

کشته شدن عمار، روایت «تقتلک فئة الباغیة» را متواتر میکند. اما این روایت را هم متواتر میکند که «آخرین غذای تو شیر است». معروف است. شیر را خورد و رفت. حضرت فرموده بودند عمار آخرین غذای تو از این دنیا شربت شیری است که میخوری و شهید میشوی. این هم متواتر میشود؟ نه. این در روایات آمده و ما هم میپذیریم اما مانند اصل روایت «تقتلک» متواتر نیست. روایت «تقتلک» تواتری که دارد به این خاطر است. یعنی سر آن نزاع شده است. این تحلیل امر تواتر به نحو تواتر استقبالی است. توضیح بیشتر آن برعهده خودتان؛ ای آن را در کنید ای تأییدی برای آن بیاورید.

اما مقدمه دیگر؛ شما در امر متواتر با چه چیزی مواجه هستید؟ اگر بگویند حفص در صبح جمعه در ساعت فلان در مجلس اقراء گفت که من از عاصم این را روایت میکنم. حال به‌صورت متواتر نزد ما آمد که عدهای میگویند من این را روایت میکنم، اما عده دیگر میگویند او این را نگفت. شما این دو تواتر را میپذیرید؟! همین که نگاه کنید میگویید ما قبول نداریم. مثل اینکه بگویم دو تواتر است بر اینکه در روز جمعه زید، عمرو را کشت و دیگری بر اینکه زید در روز جمعه عمرو را نکشت. این دو تواتر جمع شدنی نیست. چرا؟ چون تواتر موجب قطع است. قطع یعنی امر متواتر محقق است. یک واقعه که نمیتواند هم باشد و هم نباشد.پس اگر بگویم فلانی در فلان جا چنین گفت، اگر بخواهد به‌صورت متواتر نقل شود، این تواتر یکی است. اصلاً ممکن است تعدد تواتر برای او نیست.

بازبینی #2
ایجاد شده 15 مه 2024 14:33:13 توسط ... .
به روزرسانی شده 15 مه 2024 14:36:26 توسط ... .